

جامعه

پیکان

جامعه پدیا

آلودگی هوای کلانشهرها نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. تعداد روزهای آلوده و ناسالم بیشتر شده و نفس شهرها به تنگ آمده است. آمارها در این خصوص انگشت تقصیر را به سمت تخمین ۲۴ میلیونی از خودروهای فرسوده در سراسر کشور نشانه‌گر فتانده. رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط‌زیست گفته اجرای قانون هوای پاک، متوجه همه دستگاه‌هاست؛ چراکه همه دستگاه‌ها مسئولیت دارند که با عملکرد نادرست یا بی‌عملی، این امر مهم حیاتی یعنی تنفس را مختل نکنند. در همین راستا برای تعیین نقش دقیق‌تر هر یک از بخش‌ها، میزان انتشار آلاینده‌ها از منابع مختلف تفکیک و اثر هر کدام بررسی می‌شود. آخرین سیاهه انتشار در واقع گویای همین سهم‌ها به تفکیک منابع آلاینده است که نشان می‌دهد سهم قابل توجهی از آلودگی هوا متعلق به ناوگان حمل‌ونقل است.

اما در گفته‌های احمد طاهری یک موضوع بسیار جالب است و آن هم آمار عجیب تردد خودروی نوسالزیک پیکان در شهرهاست. او خبر داده به‌طور معمول انتشار آلودگی از هر خودروی فرسوده ۹ برابر یک خودروی نو شماره‌با معادل مدل خود است. باید توجه داشت که بخش قابل ملاحظه‌ای از خودروهای فرسوده کار برانستوری و دارای آلاینده‌گی بالاست و در حال حاضر در شهر تهران، حدود ۳۰ هزار دستگاه خودروی پیکان تردد می‌کند. این خودروها نقش قابل توجهی در انتشار آلاینده‌ها دارند و شرایط در سایر کلانشهرها نیز به همین شکل است. از سوی دیگر این خودروها حداقل ۲ برابر خودروی نو شماره معادل خود، سوخت مصرف می‌کنند که این موضوع هم‌زمان بر نائزای انرژی و آلودگی هوا اثر گذار است.



جلب حمایت آمریکا برای حمله به ایران

اصل و شرح

در اتفاقات اخیر صراحتا ترامپ و برخی مقامات آمریکایی و صهیونیستی وارد ماجرا شدند و از اغتشاشگران و اتفاقات تروریستی که در ایران افتاد

جنگ روایت‌ها، دروغ عدد‌ها

چرا رسانه‌های معاند هر روز آمار متفاوتی از کشته‌شدگان وقایع اخیر منتشر می‌کنند

جامعه امروز

بعد از اینکه پاره‌نه میان اعتراضات بحق اقتصادی مردم ایران دویدند و جریان این اعتراضات را به سمت و سوی اهداف و خواسته‌های نابجا پشان کشاندند تا اعتراض مردم ایران به وضع موجود اقتصادی را تبدیل به اغتشاش کنند و حالا عزمشان را جزم کرده‌اند برای پیاده کردن نقشه‌های شوم دیگرشان: «بالا بردن آمار کشته‌های مردمی» البته شعارشان هم از اول همین کشته‌سازی بود و حالا هرچه جلومی‌رویم بیشتر لا به‌های پنهان این دسیسه‌های غربی برای همه نمایان می‌شود؛ آماری که با ۱۲ هزار کشته

شروع کردند و حالا این اعداد و ارقام را به ۴۰ هزار کشته رسانده‌اند. سؤال این است: رسانه‌های غربی با این آمارسازی دنبال چه هستند؟ این بازی آماری یک خطای ساده نیست، بلکه بخشی از جنگ روایت‌هاست؛ جایی که واقعیت قربانی می‌شود تا دستاوردهای دیگری به دست آید. ضدانقلاب با دستکاری آمار و گفتن این دروغ بزرگ به دنبال چیست؟ سؤالاتی که محمد قادری، فعال رسانه و تحلیلگر سیاسی در گفت‌وگو با همشهری به آنها پاسخ داده است.

دنیا به حقانیت ایران پی برده است

اتفاقاتی که در ایران افتاد یک پروژه فازبندی شده بود که الان در فاز موج سواری روی اعداد و ارقام دروغین رسانه‌های غربی هستیم؛ طبیعتا وقتی اجازه نمی‌دهند صدای داخل کشور به بیرون منعکس شود و جلوی این انعکاس را با ابزارهای مختلف، با سانسور و با پاکوت می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند تصویر واقعی از ایران نمایش داده شود قطعا این دروغ‌ها می‌تواند اثرات خود را بر افکار عمومی و مقامات سیاسی بین‌المللی بگذارد. البته سابقه نشان داده که افکار عمومی به مرور نسبت به حقانیت نظام جمهوری اسلامی پی برده و نسبت به دروغ‌گویی و دروغ پراکنی این رسانه‌ها آگاه شده‌اند. مصداقش تجمعات و تظاهراتی است که این چند روز در برخی از شهرها و کشورهایی مانند هند، پاکستان، برزیل و عراق در حمایت از مردم و نظام ایران صورت می‌گیرد.

آمار بزرگ را نمی‌شود تکذیب کرد

در مرحله دوم تلاش می‌کنند با انتشار و اعلام آمار بزرگ و خلاف واقع، چنان دروغ بزرگی را منتشر کنند که دیگر امکان تکذیبش هم وجود نداشته باشد، یعنی درواقع نه بشود این دروغ را نفی کرد نه تکذیب. چرا؟ چون دنبال این هستند که ذهن مردم را نسبت به رفتار حاکمیت خدشه‌دار کنند. از طرف دیگر گزاره‌سازی را که در فضای بین‌المللی انجام می‌دهند دنبال کنند؛ یعنی معرفی ایران به عنوان یک نظام مستبد و دیکتاتور.



فاز دوم جنگ ۱۲ روزه

این پروژه را اگر فاز بعدی جنگ ۱۲ روزه هم در نظر بگیریم پس یک پروژه مفصل تری خواهد بود؛ یعنی ابتدا اینها تصورشان این بود که ایران در نقطه ضعف قرار دارد و گمان کردند با حمله تاکتیک خودشان را عوض و با ایجاد یک جنگ نیابتی شهری در داخل ایران تلاش کردند از یک طرف امنیت و ثبات داخلی کشور را برهم بزنند و از طرف دیگر مردم را در مقابل مردم و حاکمیت قرار دهند؛ نقشه‌ای که با رفتار مناسب و ممانعت نیروهای انتظامی در روزهای نخست به نتیجه نرسید. البته امروز گروهی انتقاد می‌کنند از رفتار مقابله گرایانه نیروهای دشمن با یک عملیات تروریستی کاملا عریان حمله می‌کند طبیعتا نباید انتظار داشت که نیروهای اطلاعاتی امنیتی و انتظامی بخواهند ممانعت کنند.

روزهای

تلخ و شیرین کانون

در روزهای تلخی که بر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به واسطه آتش زدن کانون نیشابور در ناآرامی‌های پنجشنبه هجدهم دی‌ماه می‌گذرد، جشنواره ملی سیاب‌بازی در کانون تهران که در خیابان حجاب است، از

دهم تا بیست‌وهفتم دی‌برگزار شد و هزاران کودک به همراه والدینشان برای خرید سیاب‌بازی به کانون رفتند. دنیای رنگی و پر بازی کودکان، تصاویر زیبایی را در این روزهای تلخ رقم زد که نشان می‌دهد دنیا با حضور کودکان هنوز

زیباست. اگر چه انتقادات به تولید سیاب‌بازی در ایران زیاد است و تولیدات خارجی نبض بازار را همچنان در دست دارند اما این جشنواره قدم کوچکی برای معرفی تولیدات داخلی است که نکته جالب آن، استقبال خانواده‌ها از آن است.



گزارش

کتاب‌های کودکان نیشابور خاکستر شد

گفت‌وگو با یکی از بنیان کانون پرورش فکری نیشابور که ۵۱ سال تلاشش در آتش سوخت

مکت

خسارت مادی و معنوی

بنابر گفته محمدمهدی حسین‌پور، مدیرکل کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان خراسان رضوی کانون پرورش فکری تخریب‌شده شهر نیشابور تقریبا ۵۰۰ مترمربع فضای قابل استفاده شامل کتابخانه، سالن مطالعه، سالن نمایش، کتابخانه پستی و... داشته که تقریبا به‌صورت صددرصد تخریب شده است. حسین‌پور می‌گوید: «حجم آتش‌سوزی به‌اندازه‌ای بوده که علاوه بر از بین رفتن کتاب‌ها، حتی رادیاتورهای نیز ذوب شده است. سقف مجموعه ریزش کرده و تخریب به‌صورت کامل صورت گرفته است.»

او ادامه می‌دهد: «هنوز از لحاظ فنی و مهندسی برآورد دقیقی صورت نگرفته، اما برآورد دفتر فنی کانون این است که بیش از ۲۰ میلیارد تومان خسارت به این مجموعه وارد شده است. این خسارت تنها به بخش فیزیکی سازه مربوط می‌شود و خسارت معنوی به مرکز در اثر از بین رفتن امکانات فرهنگی و کتاب‌ها غیر قابل جبران است. برخی از کتاب‌هایی که نابود شد، تنها یک نسخه از آنها موجود بود و جزو کتاب‌های مرجع محسوب می‌شدند.» مدیرکل کانون‌های استان می‌افزاید: «این مرکز یکی از قدیمی‌ترین نهادهای فرهنگی-هنری ویژه کودکان بود که هنرمندان، پژوهشگران و نویسندگان شناخته‌شده‌ای در آن پرورش پیدا کرده‌اند. این مرکز با دارا بودن کتابخانه پستی، امکان دسترسی کودکان و نوجوانان روستایی و مناطق کمرخوردار را به منابع مطالعاتی فراهم می‌کرد و ۱۸۰۰ کودک از نوجوان نیشابوری از برنامه‌های فرهنگی و هنری آن استفاده می‌کردند.»



شب حادثه

ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه با شکسته شدن و فرو ریختن شیشه‌های ساختمان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، التهابات خیابان‌های اطراف کانون به داخل ساختمان کانون کشیده شد. آتشی عسری چنین تعریف می‌کند: «نیمه‌شب درحالی که سرایدار کانون داخل ساختمان بود، فردی ناشناس از شیشه‌های شکسته ۳ کوکتل مولوتوف به داخل ساختمان می‌اندازد. در عرض چند دقیقه آتش از کلاس‌ها به کتابخانه می‌رسد. کتاب‌ها، میز و صندلی و حتی رادیاتورهای ساختمان ذوب و خاکستر می‌شوند.» تلاش سرایدار برای نجات ساختمان و تجهیز آتش به جایی نمی‌رسد، اما او جان سالم از معرکه به در می‌برد. «ساعت ۳ نیمه‌شب بود که خودم را به آنجا رساندم. شرایط خیابان‌های اطراف کانون به‌اندازه‌ای شلوغ و آشفته بود که آتش‌نشانان نتوانستند بموقع برسند و وقتی آتش خاموش شد، ساختمان به ویرانه‌ای سوخته تبدیل شده بود. سرایدار کانون هم بر اثر گازهای اشک‌آور نمی‌توانست به‌خوبی نفس بکشد، اما خدا را شکر بعد از خروج از ساختمان حالش بهتر شد و نجات پیدا کرد.»

خانه خاطرات اهالی نیشابور

آتشی عسری برای راناندازی و سرماندن این کانون ۱۱ سال از عمرش را گذاشته است. «من از سال ۱۳۵۲ که این کانون به‌عنوان نخستین مرکز هنری ویژه کودکان در نیشابور راه‌اندازی شد، جزو مربیان آن بودم. کلاس‌های تئاتر، سرود و نقاشی این مرکز خیلی زود به محل هنرآموزی نوجوانان مستعد شهر تبدیل شد و در میان هنرمندان و افراد تأثیرگذار نیشابور کمتر کسی است که از اینجا خاطراتی نداشته باشد. از نماینده مجلس نیشابور تا هنرمندانی مانند امیرحسین صدیق و حامد بهداد در این کانون تربیت شده‌اند و به مراکز فرهنگی، هنری و سیاسی راه پیدا کرده‌اند.» ساختمان قدیمی کانون در سال ۱۳۹۴ آسیب‌دیده و تخلیه شده است؛ «در آن سال سازه از زیرزمین دچار آسیب شد و ما مجبور شدیم کلاس‌های کانون را در آموزش پرورش بر گزار کنیم.» آستین بالا بزنند؛ «سال ۱۳۹۵ که نیشابور پایتخت کتاب ایران شد، با افراد زیادی تماس گرفتم تا بتوانم هزینه بازسازی کانون را فراهم کنم. اما ۲۰۰ میلیون تومان بودجه‌ای که لازم بود فقط ۵۰ میلیون تومان با مساعدت استاندارد وقت خراسان رضوی فراهم شد. در ناامیدی با دکتر محمدرضا حکمت تماس گرفتم که از دوستان قدیمی‌ام بود و از این کانون هم خاطرات زیادی داشت. آن مرحوم وقتی درباره به گل نشست این کشتی محبوب تحصیلکرده‌های نیشابور شنید، نه تنها ۱۵۰ میلیون تومان کسری هزینه ساخت را فرستاد، بلکه ۷۰ میلیون تومان هم بیشتر در اختیارم گذاشت تا برای تجهیز کانون و افزایش امکانات کتابخانه‌های کودکان استفاده کنم.»

ذوق‌وشوقی که خاکستر شد

بازسازی ساختمان بیش از یک‌سال زمان می‌برد؛ «در آن یک‌سال‌ونیم شب‌روزم به پیگیری ساختمان مرکز گذشت و فضای آن را گسترش دادیم. از مهندس استهبان که یک مهندس ارمنی صاحب‌نام بود، خواستم آنجا را به سکی مدرن و امروزی طراحی کند.» ذوق‌وشوقی که مرئی سپیدموی کانون برای برانزده‌شدن این مرکز داشته حالا به حسرتی تلخ تبدیل شده است؛ «برای اینکه مرکزی ماندگار و درخور کودکان نیشابوری فراهم کنیم، بهترین مصالح را انتخاب کردیم. در ساخت پنجره‌های آن، هنر منبت کاری استاد محمد زنده‌دلان را به کار بردیم. حتی میز و صندلی‌ها را طوری انتخاب کردیم که ظاهری مدرن و امروزی داشته باشند و بچه‌ها بتوانند ساعت‌ها بدون خستگی از آنها استفاده کنند. در انتخاب و تهیه کتاب‌ها هم وسواس و دقت به خرج دادیم و گنجینه گرانبهایی از بهترین آثار ویژه کودکان و نوجوانان فراهم کردیم. از این ۱۷ هزار جلد کتاب فقط کودکان شهر نیشابور استفاده نمی‌کردند و چون کتابخانه پستی وجود داشت، برای کودکان و نوجوانان روستاهای اطراف هم کتاب ارسال می‌شد.»

سؤال بی‌پاسخ

مرکز شماره یک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که حالا به ساختمانی سوخته بدل شده، تنها مرکزی نیست که آتشی عسری با عشق بنا کرده. او یک غسالخانه و انبار سیمانی مترو که را هم به کانون پرورش فکری تبدیل کرده است؛ «وقتی این مرکز را برای بچه‌ها می‌ساختم، هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم روزی خاکسترش‌دن آن را ببینم. من با دیدن این اتفاق مُردم و زنده شدم و هنوز هم نتوانستم پاسخ این سؤال را پیدا کنم که چرا کسی باید مکانی را که فقط محل کتابخوانی و شعرگویی و قصه‌خوانی کودکان بود آتش بزند؟»

